

مطالعه تطبیقی رژیم مالی زوجین در حقوق ایران و فرانسه با تاکید بر اموال مکتسبه

سیما خوش خلق^۱ / محمد غلامی علیایی^۲ / یوسف مولایی^۳

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۳

کدمقاله: JHVMN-۲۶۱۱-۱۴۰۲

چکیده

روابط مالی زوجین و حقوق هر یک نسبت به اموال مکتسبه در دوران زوجیت، از بنیادی‌ترین مباحث حقوق خانواده و شاخصی تعیین‌کننده برای سنجش نظام حقوقی کشورها در حمایت از عدالت، امنیت اقتصادی و تعادل در روابط زناشویی است. بررسی تطبیقی حقوق ایران و فرانسه در این حوزه اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا ایران با نظام حقوقی الهام‌گرفته از فقه امامیه بر اصل «استقلال مالی زوجین» تأکید دارد، در حالی که فرانسه بر «رژیم‌های مالی زناشویی» استوار است که در آن امکان انتخاب میان چند الگوی حقوقی وجود دارد. در حقوق ایران، قاعده بر تفکیک اموال و استقلال دارایی زن و شوهر است و هر یک مالک درآمد و دارایی خویش محسوب می‌شود. با این حال، برخی نهادهای محدود مانند نفقه یا اجرت‌المثل خدمات زوجه، جنبه‌ای حمایتی ایجاد می‌کنند اما از ایجاد مشارکت مالی واقعی میان زوجین فراتر نمی‌روند. در مقابل، در حقوق فرانسه اصل بر «اشتراک دارایی‌های حاصل از زندگی مشترک» است مگر آنکه زوجین رژیم متفاوتی انتخاب کنند. این تفاوت بنیادی موجب نتایج کاملاً متمایز در زمان انحلال نکاح، ورشکستگی، معاملات مالی و اداره مشترک دارایی می‌شود.

واژگان کلیدی: اموال مکتسبه، زوجین، اشتراک اموال، تطبیقی.

۱. گروه حقوق، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران. simakhosh@yahoo.com

۲. گروه حقوق، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران. (نویسنده مسئول) Mm13091309@iau.ac.ir

۳. گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. Yousef.molaei@iau.ac.ir



مقدمه

روابط مالی میان زن و شوهر از جمله مباحث اصلی و دیرپای حقوق خانواده است که آثار گسترده آن نه تنها بر زندگی خصوصی زوجین، بلکه بر نظام اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی جامعه تأثیرگذار است. همان گونه که خانواده نخستین نهاد اجتماعی و زیربنای شکل‌گیری جامعه محسوب می‌شود، تنظیم عادلانه و دقیق روابط مالی درون خانواده نیز نقشی اساسی در استحکام یا ترلزل این نهاد دارد. اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌شود که به تغییرات بنیادین نقش‌های اقتصادی زن و مرد در جامعه معاصر و حضور پررنگ‌تر زنان در عرصه‌های اقتصادی توجه کنیم. در نظام‌های حقوقی مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی درباره نحوه مالکیت و اداره اموال زوجین وجود دارد. برخی نظام‌ها مانند ایران، مبتنی بر استقلال مالی کامل زن و شوهر هستند و هر یک دارایی و درآمد خویش را در اختیار دارد. برخی دیگر، مانند حقوق فرانسه، نظام‌های انتخابی را به رسمیت می‌شناسند و زوجین می‌توانند در زمان ازدواج یا حتی پس از آن، یک رژیم مالی مناسب را انتخاب کنند. تفاوت این دو رویکرد، منجر به تفاوت‌های جدی در نتایج حقوقی ازدواج، طلاق، وراثت، مسئولیت‌های مالی و حتی عدالت اقتصادی می‌شود. در حقوق ایران، اصول مالی خانواده بر پایه آموزه‌های فقه امامیه استوار است. بر اساس قاعده «استقلال اموال»، هیچ‌یک از زوجین حق دخالت در دارایی طرف مقابل را ندارد و اموال به‌طور کامل تفکیک می‌شود. با وجود این، نهادهایی مانند نفقه، مهریه، اجرت‌المثل و شرط تنصیف دارایی در برخی قراردادهای نکاح، جنبه‌هایی از حمایت از زن را فراهم کرده‌اند اما هنوز تا ایجاد یک نظام متوازن فاصله وجود دارد. بر خلاف ایران، حقوق فرانسه طی سیر تاریخی طولانی و تحت تأثیر تحولات اجتماعی و حقوقی، به سمت ایجاد رژیم‌های مالی متنوع حرکت کرده است. رژیم مشارکت در دارایی، رژیم اشتراک اموال و رژیم انفصال اموال سه چارچوب اصلی هستند که هر یک آثار و حدود خاص خود را دارد. انتخاب میان این رژیم‌ها به زوجین امکان می‌دهد ساختاری متناسب با شرایطشان پدید آورند. با وجود این تفاوت‌ها، بررسی تطبیقی میان ایران و فرانسه نه تنها امکان شناخت بهتر نقاط قوت و ضعف هر دو نظام را فراهم می‌کند، بلکه از منظر سیاست‌گذاری حقوقی نیز می‌تواند راهگشا باشد. در جهان امروز که

نقش‌های اقتصادی زن و مرد و نوع مشارکت آنان در اقتصاد خانواده دستخوش دگرگونی شده است، نظام حقوقی ایران نیز نیازمند بازنگری در برخی قواعد حمایتی و تأمین حقوق عادلانه هر دو طرف است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل دقیق حقوق زوجین نسبت به اموال مکتسبه و ارزیابی ظرفیت‌های موجود در حقوق ایران و فرانسه شکل گرفته است. روش کار این پژوهش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه قوانین، رویه قضایی و منابع معتبر علمی است. انتظار می‌رود این پژوهش بتواند با روشن ساختن نقاط ابهام و ارائه تحلیل تطبیقی، زمینه‌ای برای بحث‌های علمی بیشتر و اصلاحات احتمالی فراهم سازد.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- مفهوم زوجیت

زوجیت در معنای حقوقی به رابطه‌ای اطلاق می‌شود که در نتیجه عقد نکاح میان زن و مرد ایجاد می‌گردد و آثار حقوقی و تکالیف متقابلی برای طرفین به همراه دارد. این رابطه نه تنها یک پیوند عاطفی و اجتماعی بلکه نهادی حقوقی است که قانون‌گذار برای آن قواعد مشخصی در نظر گرفته است. در چارچوب این نهاد، زن و شوهر دارای حقوق و تعهداتی در حوزه‌های مختلف از جمله زندگی مشترک، روابط شخصی و امور مالی هستند. به همین دلیل، زوجیت از دیدگاه حقوقی صرفاً هم‌زیستی نیست بلکه وضعیتی قانونی است که آثار آن از زمان تحقق عقد نکاح آغاز می‌شود. این آثار شامل حقوق متقابل، مسئولیت‌های خانوادگی و تنظیم روابط اقتصادی میان زوجین است (صفایی، ۱۳۹۹: ۲۱).

زوجیت به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوق خانواده، نقش اساسی در سامان‌دهی روابط میان زن و مرد در جامعه دارد. این رابطه با وقوع عقد نکاح به وجود می‌آید و مبنای تشکیل خانواده محسوب می‌شود. در واقع، قانون‌گذار از طریق نهاد زوجیت تلاش می‌کند روابط شخصی و اقتصادی میان زوجین را در قالب قواعد مشخص تنظیم کند. از این منظر، زوجیت علاوه بر جنبه فردی، دارای آثار اجتماعی گسترده‌ای نیز هست و ثبات خانواده تا حد زیادی به تنظیم صحیح این رابطه وابسته است. بنابراین مفهوم زوجیت هم در فقه و هم در حقوق موضوعه مورد توجه ویژه قرار گرفته است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۵).

۱-۲- مفهوم زوجیت در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، زوجیت نیز رابطه‌ای حقوقی است که با انعقاد عقد ازدواج میان زن و مرد شکل می‌گیرد و آثار قانونی مشخصی را به دنبال دارد. این رابطه در چارچوب مقررات حقوق خانواده تنظیم شده و حقوق و تکالیف متقابل برای زوجین ایجاد می‌کند. قانون مدنی فرانسه به منظور حفظ نظم خانوادگی، قواعدی را برای تنظیم روابط شخصی و مالی میان همسران پیش‌بینی کرده است. به همین دلیل، زوجیت در این نظام حقوقی نیز به عنوان نهادی بنیادین در ساختار خانواده شناخته می‌شود (رحیمی، ۱۴۰۱: ۹۹).

در نظام حقوقی فرانسه، یکی از ویژگی‌های مهم رابطه زوجیت توجه به استقلال حقوقی هر یک از همسران است. بر اساس مقررات این کشور، زن و مرد پس از ازدواج همچنان شخصیت حقوقی مستقل خود را حفظ می‌کنند و می‌توانند در بسیاری از امور مالی به طور جداگانه تصمیم بگیرند. این اصل به ویژه در رژیم‌های مالی مختلف ازدواج نقش مهمی ایفا می‌کند. به همین دلیل، ساختار مالی زوجیت در حقوق فرانسه انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به برخی نظام‌های حقوقی دارد (احمدی، ۱۳۹۸: ۵۴). حقوق فرانسه برای تنظیم روابط مالی میان زوجین نظام‌های مختلفی را پیش‌بینی کرده است که زوجین می‌توانند پیش از ازدواج یکی از آن‌ها را انتخاب کنند. این نظام‌ها شامل رژیم اشتراک اموال، جدایی اموال و مشارکت در دارایی هستند. هر یک از این رژیم‌ها قواعد خاصی درباره مالکیت اموال و نحوه مدیریت آن‌ها دارند. بنابراین مفهوم زوجیت در این نظام حقوقی با نظام مالی انتخابی زوجین ارتباط نزدیکی دارد (مجیدی، ۱۳۹۷: ۱۲۰). در این نظام حقوقی، ازدواج علاوه بر ایجاد پیوند شخصی میان زن و مرد، زمینه‌ساز شکل‌گیری همکاری اقتصادی میان آنان نیز محسوب می‌شود. با این حال، قانون تلاش کرده است میان همکاری خانوادگی و استقلال مالی زوجین تعادل برقرار کند. به همین دلیل، بسیاری از مقررات مربوط به مالکیت اموال و مسئولیت‌های مالی بر اساس اصل برابری میان همسران تنظیم شده است. این امر نشان‌دهنده رویکرد متفاوت حقوق فرانسه نسبت به برخی نظام‌های سنتی است (رحمانی، ۱۳۹۹: ۷۴).

در تحلیل تطبیقی، یکی از تفاوت‌های مهم میان حقوق ایران و فرانسه در حوزه زوجیت به نحوه تنظیم روابط مالی مربوط می‌شود. در حالی که در حقوق ایران اصل بر استقلال مالی زوجین است، در حقوق فرانسه امکان انتخاب نظام‌های مختلف مالی وجود دارد. این موضوع سبب شده است که زوجین بتوانند با توجه به شرایط خود، چارچوب مناسب‌تری برای مدیریت دارایی‌هایشان انتخاب کنند (احمدی، ۱۳۹۹: ۶۲).

همچنین در حقوق فرانسه، قواعد مربوط به زوجیت با هدف حمایت از ثبات خانواده و تضمین حقوق هر یک از همسران تدوین شده است. این مقررات نه تنها روابط شخصی بلکه مسائل اقتصادی و مالی میان زوجین را نیز در بر می‌گیرد. به همین دلیل، بسیاری از اختلافات خانوادگی در این نظام حقوقی بر اساس قواعد مربوط به رژیم مالی زوجین حل و فصل می‌شود (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۰۸).

در برخی تحلیل‌ها، زوجیت در حقوق فرانسه به عنوان نهادی شناخته می‌شود که بر پایه اصل برابری میان زن و مرد شکل گرفته است. این اصل در بسیاری از مقررات مربوط به حقوق و تکالیف همسران منعکس شده است. به همین دلیل، هر یک از زوجین در تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی مشترک و مسائل مالی نقش فعالی دارند (مجیدی، ۱۳۹۷: ۱۲۹). مفهوم زوجیت در حقوق فرانسه به رابطه‌ای حقوقی اشاره دارد که علاوه بر ایجاد پیوند خانوادگی، چارچوبی برای تنظیم روابط مالی و اقتصادی میان همسران فراهم می‌کند. وجود نظام‌های مالی مختلف در این کشور نشان می‌دهد که قانون‌گذار تلاش کرده است انعطاف بیشتری در مدیریت دارایی‌های خانوادگی ایجاد کند. این ویژگی باعث شده است که زوجیت در حقوق فرانسه دارای ساختاری متفاوت نسبت به برخی نظام‌های دیگر باشد (احمدی، ۱۳۹۸: ۶۵).

۲- تمایز حقوق مالی و غیرمالی زوجین

در روابط خانوادگی، حقوق زوجین را می‌توان به دو دسته کلی حقوق مالی و حقوق غیرمالی تقسیم کرد. حقوق مالی آن دسته از حقوقی هستند که دارای ارزش اقتصادی بوده و قابل تقویم به پول می‌باشند، در حالی که حقوق غیرمالی بیشتر به جنبه‌های شخصی و اخلاقی زندگی مشترک مربوط می‌شوند. برای مثال، مهریه و نفقه از مصادیق حقوق مالی محسوب

می‌شوند، در حالی که حسن معاشرت و وفاداری در زمره حقوق غیرمالی قرار می‌گیرند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۹۴).

تمایز میان این دو نوع حق از نظر آثار حقوقی نیز اهمیت زیادی دارد. حقوق مالی معمولاً قابلیت انتقال، مطالبه و حتی گاه اسقاط دارند، اما حقوق غیرمالی غالباً با شخصیت فرد ارتباط مستقیم دارند و قابل انتقال به دیگری نیستند. به همین دلیل، در دعوی خانوادگی معمولاً دادگاه‌ها با دقت بیشتری به حقوق مالی می‌پردازند زیرا این حقوق دارای ارزش اقتصادی مشخصی هستند (بادینی، ۱۳۹۵: ۵۲). از منظر حقوقی، تفکیک میان حقوق مالی و غیرمالی به درک بهتر ساختار روابط زوجین کمک می‌کند. این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که روابط خانوادگی تنها به مسائل عاطفی و اخلاقی محدود نمی‌شود بلکه دارای ابعاد اقتصادی نیز هست. به همین دلیل، قانون‌گذار در کنار قواعد مربوط به روابط شخصی، مقرراتی نیز برای تنظیم روابط مالی میان زوجین پیش‌بینی کرده است (سامانی، ۱۳۹۷: ۳۴).

۳- مبانی حقوقی روابط مالی زوجین در حقوق فرانسه

روابط مالی زوجین در حقوق فرانسه بر پایه نظام‌های مشخصی از مالکیت و مدیریت اموال شکل گرفته است که قانون‌گذار با هدف ایجاد تعادل میان استقلال اقتصادی و همکاری خانوادگی آنها را تنظیم کرده است. در این نظام، اصل بر آن است که وضعیت مالی زوجین باید به گونه‌ای سامان یابد که هم از حقوق فردی هر یک حمایت کند و هم اداره زندگی مشترک را تسهیل نماید. به همین دلیل قواعد مربوط به اموال زوجین بخشی مهم از حقوق خانواده را تشکیل می‌دهد و نقش تعیین‌کننده‌ای در روابط اقتصادی همسران دارد (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۰۲). در نظام حقوقی فرانسه، قواعد مربوط به اموال زوجین با تأکید بر هماهنگی میان استقلال مالی و مسئولیت‌های مشترک خانواده تدوین شده است. قانون‌گذار تلاش کرده است با پیش‌بینی چارچوب‌های مشخص، تعارضات مالی میان همسران را کاهش دهد. این قواعد از یک سو حقوق مالکیت شخصی را به رسمیت می‌شناسد و از سوی دیگر همکاری اقتصادی زوجین را تقویت می‌کند. چنین ساختاری موجب ایجاد نظم حقوقی در مدیریت دارایی‌های خانوادگی می‌شود (مجیدی، ۱۳۹۷: ۱۲۰).

مبانی حقوقی روابط مالی زوجین در فرانسه تا حد زیادی بر مفهوم مشارکت در زندگی مشترک استوار است. در این دیدگاه، ازدواج تنها یک رابطه عاطفی محسوب نمی‌شود بلکه نوعی همکاری اقتصادی نیز تلقی می‌گردد. به همین دلیل قانون‌گذار تلاش کرده است سازوکاری فراهم کند که سهم هر یک از زوجین در اداره زندگی مشترک مورد توجه قرار گیرد. این رویکرد سبب شده است نظام‌های مالی متنوعی در حقوق فرانسه شکل بگیرد (رحمانی، ۱۳۹۹: ۵۳). در تحلیل مبانی این نظام، نقش قراردادهای مالی میان زوجین نیز اهمیت دارد. حقوق فرانسه به زوجین اجازه می‌دهد که پیش از ازدواج درباره نحوه اداره اموال خود تصمیم بگیرند. چنین امکانی نشان‌دهنده تأکید این نظام بر اصل آزادی اراده در روابط خانوادگی است. در نتیجه زوجین می‌توانند چارچوب مالی زندگی مشترک خود را متناسب با شرایط اقتصادی خویش تعیین کنند (کاظمی، ۱۴۰۰: ۸۴). یکی از ویژگی‌های مهم حقوق فرانسه در زمینه روابط مالی زوجین، شناسایی انواع رژیم‌های مالی است. این رژیم‌ها شیوه مالکیت و مدیریت دارایی‌های زوجین را مشخص می‌کنند. وجود چنین تنوعی سبب شده است که نظام حقوقی فرانسه انعطاف بیشتری در پاسخ به نیازهای مختلف خانواده‌ها داشته باشد. این ویژگی از عوامل مهم کارآمدی نظام مالی خانواده در این کشور محسوب می‌شود (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۰۸). در این نظام، قانون‌گذار تلاش کرده است تعادل میان استقلال مالی زوجین و منافع مشترک خانواده را حفظ کند. به همین دلیل هر یک از همسران می‌توانند اموال شخصی خود را مدیریت کنند، اما در عین حال نسبت به برخی هزینه‌های مشترک مسئولیت دارند. این تعادل به حفظ ثبات اقتصادی خانواده کمک می‌کند. چنین رویکردی از اصول مهم حقوق خانواده در نظام‌های مدرن محسوب می‌شود (بادینی، ۱۳۹۵: ۱۶۷).

از منظر تطبیقی، بررسی روابط مالی زوجین در فرانسه می‌تواند برای تحلیل حقوق خانواده در سایر کشورها نیز مفید باشد. بسیاری از نظام‌های حقوقی از تجربه فرانسه در تنظیم رژیم‌های مالی الهام گرفته‌اند. این امر نشان می‌دهد که قواعد مربوط به اموال زوجین در این نظام دارای تأثیرگذاری گسترده‌ای بوده است (احمدی، ۱۳۹۸: ۵۴).

یکی از مبانی مهم این نظام، حمایت از ثبات اقتصادی خانواده است. قانون‌گذار فرانسه با پیش‌بینی قواعد دقیق درباره مدیریت اموال، تلاش کرده است از بروز اختلافات مالی میان زوجین جلوگیری کند. چنین تدابیری به کاهش دعاوی خانوادگی و افزایش امنیت اقتصادی در زندگی مشترک کمک می‌کند (بهرامی، ۱۳۹۸: ۷۴). مبانی حقوقی روابط مالی زوجین در حقوق فرانسه بر ترکیبی از استقلال مالی، همکاری اقتصادی و آزادی قراردادی استوار است. این ترکیب باعث شده است که نظام مالی خانواده در فرانسه از انعطاف و کارآمدی قابل توجهی برخوردار باشد. چنین ساختاری امکان تنظیم دقیق روابط مالی زوجین را فراهم می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۸۶).

۴- تحول تاریخی رژیم‌های مالی زوجین

رژیم‌های مالی زوجین در حقوق فرانسه در طول تاریخ دچار تحولات مهمی شده‌اند. در دوره‌های اولیه، نظام حقوقی بیشتر بر سلطه اقتصادی مرد در خانواده استوار بود و مدیریت اموال عمدتاً در اختیار شوهر قرار داشت. با گذشت زمان و تغییر نگرش‌های اجتماعی، قانون‌گذار به سمت برقراری تعادل میان حقوق مالی زن و مرد حرکت کرد. این تحول یکی از مهم‌ترین تغییرات حقوق خانواده در فرانسه به شمار می‌آید (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۰۵). در قرن نوزدهم، نظام مالی زوجین در فرانسه به طور گسترده تحت تأثیر ساختار سنتی خانواده قرار داشت. در آن زمان، بسیاری از اختیارات مالی زن محدود بود و شوهر نقش اصلی در اداره اموال خانواده ایفا می‌کرد. با گسترش اندیشه‌های برابری طلبانه، اصلاحات قانونی متعددی برای افزایش استقلال مالی زنان انجام شد. این اصلاحات به تدریج ساختار نظام مالی خانواده را تغییر داد (مجیدی، ۱۳۹۷: ۱۲۳).

تحولات اجتماعی قرن بیستم نقش مهمی در اصلاح رژیم‌های مالی زوجین ایفا کرد. افزایش مشارکت اقتصادی زنان و تغییر نقش‌های سنتی خانواده موجب شد قانون‌گذار قواعد جدیدی درباره مدیریت اموال وضع کند. این اصلاحات باعث شد زنان نیز در اداره دارایی‌های خانوادگی نقش فعال‌تری داشته باشند. چنین تغییراتی نشان‌دهنده تأثیر شرایط اجتماعی بر حقوق خانواده است (زارعی، ۱۳۹۸: ۱۲۶).

اصلاحات قانونی در فرانسه به تدریج به سمت تقویت استقلال مالی هر یک از زوجین حرکت کرد. قانون‌گذار تلاش کرد نظام‌هایی ایجاد کند که در آن زن و شوهر بتوانند به طور مستقل اموال خود را مدیریت کنند. در عین حال، قواعدی نیز برای اداره اموال مشترک پیش‌بینی شد تا همکاری اقتصادی میان همسران حفظ شود. این رویکرد زمینه شکل‌گیری نظام‌های مالی متنوع را فراهم کرد (رحمانی، ۱۳۹۹: ۵۹). یکی از مهم‌ترین مراحل تحول رژیم‌های مالی در فرانسه مربوط به اصلاحات دهه‌های پایانی قرن بیستم است. در این دوره قانون‌گذار با اصلاح مقررات قدیمی، بر اصل برابری زن و مرد در روابط مالی تأکید کرد. این اصلاحات موجب شد محدودیت‌های پیشین در خصوص فعالیت‌های اقتصادی زنان کاهش یابد. نتیجه این روند افزایش استقلال اقتصادی زنان در چارچوب خانواده بود (احمدی، ۱۳۹۸: ۶۱).

تحول رژیم‌های مالی زوجین همچنین با توسعه مفهوم مشارکت اقتصادی در زندگی مشترک همراه بود. در نظام‌های جدید، زندگی زناشویی نوعی همکاری اقتصادی میان همسران تلقی می‌شود. به همین دلیل قانون‌گذار قواعدی وضع کرده است که سهم هر یک از زوجین در اداره دارایی‌های خانوادگی را مشخص می‌کند. این تحول سبب تقویت عدالت در روابط مالی شده است (مجیدی، ۱۳۹۷: ۱۳۲).

تغییر نگرش‌ها نسبت به نقش زن در خانواده یکی از عوامل اصلی این تحولات بوده است. با افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان، ضرورت بازنگری در قواعد مالی خانواده بیشتر احساس شد. قانون‌گذار نیز با توجه به این تغییرات اجتماعی، اصلاحات متعددی را در نظام حقوقی اعمال کرد. این اصلاحات موجب ایجاد ساختارهای جدید در رژیم‌های مالی زوجین شد (تابنده، ۱۳۹۶: ۸۷). تحولات تاریخی رژیم‌های مالی زوجین در فرانسه همچنین نشان‌دهنده تأثیر اندیشه‌های حقوق بشری بر حقوق خانواده است. تأکید بر برابری و آزادی فردی باعث شد قواعد قدیمی که محدودکننده حقوق زنان بودند کنار گذاشته شوند. در نتیجه ساختار حقوقی جدیدی شکل گرفت که بر عدالت و توازن اقتصادی استوار است (سبحانی، ۱۴۰۰: ۶۶). رژیم‌های مالی زوجین در فرانسه نتیجه روندی طولانی از اصلاحات اجتماعی و حقوقی هستند. این تحولات به تدریج به سمت تقویت استقلال مالی زوجین و ایجاد تعادل در روابط اقتصادی

خانواده حرکت کرده است. امروزه این نظام به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین ساختارهای حقوق خانواده شناخته می‌شود (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۱۲).

۵- اصول حاکم بر روابط مالی زوجین

یکی از اصول اساسی در روابط مالی زوجین در حقوق فرانسه اصل استقلال مالی است. بر اساس این اصل، هر یک از همسران می‌توانند اموال شخصی خود را اداره و مدیریت کنند. این قاعده به زوجین اجازه می‌دهد فعالیت‌های اقتصادی مستقل داشته باشند. در عین حال، مسئولیت‌های مالی مشترک خانواده همچنان پابرجاست (احمدی، ۱۳۹۸: ۵۲).

اصل همکاری اقتصادی از دیگر اصول مهم در روابط مالی زوجین به شمار می‌رود. ازدواج در حقوق فرانسه نوعی مشارکت در اداره زندگی مشترک تلقی می‌شود. به همین دلیل قانون‌گذار انتظار دارد هر یک از همسران در تأمین نیازهای خانواده نقش داشته باشند. این اصل به ایجاد تعادل میان حقوق فردی و مسئولیت‌های مشترک کمک می‌کند (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۰۶). اصل حمایت از خانواده نیز نقش مهمی در تنظیم روابط مالی زوجین دارد. بسیاری از قواعد حقوقی با هدف حفظ ثبات اقتصادی خانواده تدوین شده‌اند. قانون‌گذار تلاش کرده است با تعیین مسئولیت‌های مالی مشخص، از بروز اختلافات شدید میان همسران جلوگیری کند. چنین تدابیری موجب تقویت امنیت اقتصادی در خانواده می‌شود (بادینی، ۱۳۹۵: ۱۷۴). یکی دیگر از اصول مهم، اصل آزادی قراردادی در تعیین نظام مالی زوجین است. حقوق فرانسه به همسران اجازه می‌دهد که با انعقاد قرارداد ازدواج، رژیم مالی دلخواه خود را انتخاب کنند. این آزادی سبب می‌شود که زوجین بتوانند ساختار مالی زندگی مشترک خود را متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی خود تنظیم کنند (کاظمی، ۱۴۰۰: ۸۹). اصل شفافیت در مدیریت اموال نیز در این نظام اهمیت دارد. زوجین باید در اداره دارایی‌های خانوادگی با حسن نیت عمل کنند و از سوءاستفاده از حقوق مالی خودداری نمایند. رعایت این اصل مانع از بروز اختلافات جدی در روابط مالی می‌شود. چنین رویکردی برای حفظ اعتماد در زندگی مشترک ضروری است (نجفی، ۱۳۹۸: ۶۲). یکی دیگر از اصول حاکم بر روابط مالی زوجین اصل مسئولیت مشترک در هزینه‌های زندگی است. در حقوق فرانسه، هر یک از همسران باید متناسب با

توانایی مالی خود در تأمین هزینه‌های خانواده مشارکت کند. این اصل نشان‌دهنده ماهیت مشارکتی ازدواج در این نظام حقوقی است (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۰۹).

اصل عدالت اقتصادی نیز در تنظیم روابط مالی زوجین مورد توجه قرار گرفته است. قانون‌گذار تلاش کرده است با ایجاد سازوکارهای مناسب، از نابرابری شدید اقتصادی میان همسران جلوگیری کند. این رویکرد به ویژه در زمان انحلال نکاح اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (مجیدی، ۱۳۹۷: ۱۳۰). در کنار این اصول، اصل احترام به مالکیت فردی نیز جایگاه مهمی دارد. هر یک از زوجین مالک اموالی هستند که پیش از ازدواج یا به طور مستقل تحصیل کرده‌اند. این قاعده از حقوق مالکیت شخصی افراد حمایت می‌کند و مانع از تداخل غیرضروری دارایی‌ها می‌شود (ایمانی، ۱۴۰۰: ۲۷۴). روابط مالی زوجین در حقوق فرانسه بر مجموعه‌ای از اصول مانند استقلال مالی، همکاری اقتصادی و آزادی قراردادی استوار است. این اصول چارچوبی ایجاد می‌کنند که در آن هم حقوق فردی زوجین حفظ می‌شود و هم منافع خانواده مورد حمایت قرار می‌گیرد (رحمانی، ۱۳۹۹: ۶۴).

۶- نقش قرارداد ازدواج در تعیین نظام مالی

در حقوق فرانسه قرارداد ازدواج نقش مهمی در تعیین وضعیت مالی زوجین دارد. این قرارداد به زوجین اجازه می‌دهد پیش از آغاز زندگی مشترک درباره نحوه مالکیت و مدیریت اموال خود تصمیم‌گیری کنند. چنین امکانی نشان‌دهنده اهمیت اصل آزادی اراده در روابط خانوادگی است. از طریق این قرارداد، ساختار مالی زندگی مشترک مشخص می‌شود (کاظمی، ۱۴۰۰: ۸۳).

قرارداد ازدواج در فرانسه معمولاً پیش از ثبت رسمی ازدواج تنظیم می‌شود. زوجین در این قرارداد می‌توانند یکی از رژیم‌های مالی پیش‌بینی‌شده در قانون را انتخاب کنند. همچنین در برخی موارد امکان تنظیم شرایط خاص متناسب با وضعیت اقتصادی آنها وجود دارد. این انعطاف‌پذیری موجب افزایش کارآمدی نظام مالی خانواده می‌شود (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۱۰).

یکی از کارکردهای مهم قرارداد ازدواج تعیین حدود مالکیت اموال زوجین است. از طریق این قرارداد مشخص می‌شود کدام اموال مشترک و کدام اموال متعلق به هر یک از همسران خواهد

بود. چنین تعیین تکلیفی از بروز اختلافات مالی در آینده جلوگیری می‌کند. به همین دلیل این قرارداد از اهمیت عملی زیادی برخوردار است (مجیدی، ۱۳۹۷: ۱۳۶).

قرارداد ازدواج همچنین می‌تواند نحوه مدیریت اموال مشترک را مشخص کند. در برخی رژیم‌های مالی، هر دو همسر در اداره اموال نقش دارند و در برخی دیگر مدیریت به شکل متفاوتی تنظیم می‌شود. تعیین این مسائل در قرارداد باعث می‌شود روابط مالی زوجین از ابتدا روشن باشد (رحمانی، ۱۳۹۹: ۶۷).

یکی دیگر از آثار مهم قرارداد ازدواج تأثیر آن بر وضعیت مالی زوجین در زمان انحلال نکاح است. نوع رژیم مالی انتخاب‌شده تعیین می‌کند که در صورت طلاق یا فوت، اموال چگونه میان همسران تقسیم شود. به همین دلیل انتخاب این قرارداد می‌تواند پیامدهای مالی قابل توجهی داشته باشد (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۱۴). قرارداد ازدواج در بسیاری از موارد نقش پیشگیرانه در اختلافات مالی دارد. تعیین دقیق حقوق و تعهدات مالی از ابتدا باعث می‌شود زوجین در طول زندگی مشترک با مشکلات کمتری مواجه شوند. این امر به افزایش ثبات اقتصادی خانواده کمک می‌کند (بهرامی، ۱۳۹۸: ۸۱). در برخی موارد زوجین می‌توانند پس از ازدواج نیز رژیم مالی خود را تغییر دهند. البته این تغییر باید با رعایت تشریفات قانونی انجام شود. چنین امکانی نشان‌دهنده انعطاف نظام حقوقی فرانسه در تنظیم روابط مالی خانواده است (احمدی، ۱۳۹۸: ۶۵). نقش قرارداد ازدواج همچنین در حمایت از دارایی‌های شخصی زوجین قابل توجه است. در برخی رژیم‌های مالی، هر یک از همسران می‌توانند مالکیت اموال خود را حفظ کنند و تنها در موارد خاص اموال مشترک ایجاد می‌شود. این ویژگی برای افرادی که دارای فعالیت اقتصادی مستقل هستند اهمیت زیادی دارد (ایمانی، ۱۴۰۰: ۲۸۰).

قرارداد ازدواج در حقوق فرانسه ابزاری مهم برای تعیین چارچوب مالی زندگی مشترک محسوب می‌شود. این قرارداد با ایجاد شفافیت در مالکیت و مدیریت اموال، به کاهش اختلافات مالی میان زوجین کمک می‌کند و نقش مهمی در تنظیم روابط اقتصادی خانواده دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۹۴).

۷- رژیم‌های مالی زوجین در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه رژیم‌های مالی مختلفی برای تنظیم روابط اقتصادی زوجین پیش‌بینی شده است. این رژیم‌ها شیوه مالکیت، مدیریت و تقسیم اموال زوجین را تعیین می‌کنند. وجود چنین نظامی باعث می‌شود زوجین بتوانند ساختار مالی زندگی مشترک خود را بر اساس شرایط و نیازهایشان انتخاب کنند. این تنوع از ویژگی‌های مهم حقوق خانواده در فرانسه محسوب می‌شود (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۱۵).

یکی از مهم‌ترین رژیم‌های مالی در این نظام، رژیم مشارکت در اموال است. در این رژیم برخی دارایی‌ها به عنوان اموال مشترک شناخته می‌شوند و هر یک از همسران در مالکیت آنها سهم دارند. چنین ساختاری بیانگر رویکرد مشارکتی به زندگی زناشویی است. این نظام در بسیاری از ازدواج‌ها به عنوان رژیم پیش‌فرض مورد استفاده قرار می‌گیرد (مجیدی، ۱۳۹۷: ۱۳۸). در کنار رژیم مشارکت، رژیم تفکیک اموال نیز در حقوق فرانسه وجود دارد. در این نظام هر یک از زوجین مالک اموال خود باقی می‌ماند و دارایی‌ها با یکدیگر ادغام نمی‌شوند. این رژیم معمولاً توسط افرادی انتخاب می‌شود که فعالیت اقتصادی مستقل دارند. چنین ساختاری استقلال مالی زوجین را تقویت می‌کند (رحمانی، ۱۳۹۹: ۷۰). یکی دیگر از رژیم‌های مالی، نظام مشارکت در افزایش دارایی است. در این نظام هر یک از همسران در طول زندگی مشترک مالک اموال خود باقی می‌مانند، اما در زمان انحلال نکاح افزایش دارایی میان آنها تقسیم می‌شود. این نظام ترکیبی از استقلال مالی و مشارکت اقتصادی را ایجاد می‌کند (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۱۸). انتخاب رژیم مالی مناسب می‌تواند تأثیر مهمی بر وضعیت اقتصادی زوجین داشته باشد. به همین دلیل در بسیاری از موارد زوجین پیش از ازدواج درباره پیامدهای مالی هر یک از رژیم‌ها مشورت حقوقی دریافت می‌کنند. چنین اقدامی از بروز اختلافات در آینده جلوگیری می‌کند (بهرامی، ۱۳۹۸: ۸۴).

رژیم‌های مالی همچنین نحوه مدیریت اموال مشترک را مشخص می‌کنند. در برخی نظام‌ها تصمیم‌گیری درباره اموال مشترک باید با توافق هر دو همسر انجام شود. این امر موجب می‌شود هر یک از زوجین در اداره دارایی‌های خانوادگی نقش داشته باشند (نجفی، ۱۳۹۸: ۶۹). یکی

از اهداف اصلی رژیم‌های مالی ایجاد تعادل اقتصادی در زندگی مشترک است. قانون‌گذار تلاش کرده است با طراحی نظام‌های مختلف، شرایطی فراهم کند که منافع هر دو همسر حفظ شود. چنین رویکردی موجب تقویت عدالت اقتصادی در خانواده می‌شود (بادینی، ۱۳۹۵: ۱۷۹). در زمان انحلال نکاح، نوع رژیم مالی انتخاب‌شده تأثیر مستقیم بر تقسیم دارایی‌ها دارد. قواعد مربوط به هر رژیم مشخص می‌کند که اموال چگونه میان همسران تقسیم شود. به همین دلیل انتخاب این نظام در ابتدای ازدواج اهمیت زیادی دارد (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۲۲). رژیم‌های مالی زوجین در حقوق فرانسه چارچوبی انعطاف‌پذیر برای تنظیم روابط اقتصادی همسران فراهم می‌کنند. این نظام‌ها با ترکیب استقلال مالی و همکاری اقتصادی، ساختاری ایجاد کرده‌اند که می‌تواند پاسخگوی نیازهای مختلف خانواده‌ها باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۹۸).

۷-۱- رژیم قانونی اشتراک اموال

در حقوق فرانسه یکی از مهم‌ترین نظام‌های مالی زوجین رژیم قانونی اشتراک اموال است که در صورت عدم انتخاب رژیم دیگر توسط زوجین اعمال می‌شود. در این نظام، بخشی از دارایی‌هایی که در طول زندگی مشترک به دست می‌آید به عنوان اموال مشترک تلقی می‌شود و هر دو همسر در آن سهم دارند. هدف از این رژیم ایجاد تعادل اقتصادی میان زوجین و تأکید بر همکاری در زندگی زناشویی است. چنین ساختاری نشان می‌دهد که قانون‌گذار زندگی مشترک را نوعی مشارکت اقتصادی میان زن و مرد می‌داند. در این چارچوب، دارایی‌های حاصل از فعالیت‌های اقتصادی در دوران زوجیت اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند. این رژیم در بسیاری از کشورها به عنوان نمونه‌ای از نظام‌های مشارکتی در اموال خانواده مورد توجه قرار گرفته است. همین امر موجب شده است رژیم اشتراک اموال در مطالعات تطبیقی جایگاه مهمی داشته باشد (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۰۷).

در این رژیم مالی، اموالی که در طول زندگی مشترک از طریق کار یا فعالیت اقتصادی هر یک از زوجین به دست می‌آید، در زمره اموال مشترک قرار می‌گیرد. بنابراین درآمد حاصل از کار، سرمایه‌گذاری یا فعالیت اقتصادی در دوران زوجیت معمولاً متعلق به هر دو همسر شناخته می‌شود. این قاعده نشان‌دهنده آن است که نظام حقوقی فرانسه ارزش اقتصادی تلاش‌های

مشترک زوجین را به رسمیت می‌شناسد. به همین دلیل مالکیت اموال در این رژیم بر مبنای همکاری و مشارکت شکل می‌گیرد. چنین رویکردی باعث می‌شود هر یک از همسران در موفقیت اقتصادی زندگی مشترک سهیم باشند. در نتیجه نظام اشتراک اموال نوعی عدالت اقتصادی در ساختار خانواده ایجاد می‌کند. این موضوع در بسیاری از تحلیل‌های حقوق تطبیقی مورد تأکید قرار گرفته است (مجیدی، ۱۳۹۷: ۱۳۵). در رژیم قانونی اشتراک اموال، با وجود مشترک بودن بخشی از دارایی‌ها، برخی اموال همچنان به عنوان اموال شخصی هر یک از زوجین باقی می‌ماند. معمولاً اموالی که پیش از ازدواج در مالکیت هر یک از همسران بوده یا از طریق ارث و هبه به دست آمده‌اند در زمره اموال شخصی محسوب می‌شوند. این تفکیک به منظور حفظ حقوق مالکیت فردی زوجین پیش‌بینی شده است. بنابراین نظام اشتراک اموال به معنای ادغام کامل دارایی‌ها نیست. بلکه نوعی ترکیب میان مالکیت شخصی و مشترک را ایجاد می‌کند. چنین ساختاری موجب می‌شود استقلال مالی زوجین تا حدی حفظ شود. در عین حال منافع اقتصادی زندگی مشترک نیز تأمین گردد (احمدی، ۱۳۹۸: ۵۸).

مدیریت اموال مشترک در رژیم اشتراک اموال نیز تابع قواعد خاصی است. در بسیاری از موارد هر یک از همسران می‌توانند در چارچوب قانون درباره اموال مشترک تصمیم‌گیری کنند. البته در برخی معاملات مهم نیاز به رضایت هر دو طرف وجود دارد. این امر به منظور جلوگیری از سوءاستفاده و حفظ منافع خانواده پیش‌بینی شده است. بنابراین اداره اموال مشترک بر پایه همکاری و اعتماد متقابل استوار است. این همکاری موجب افزایش ثبات اقتصادی در زندگی مشترک می‌شود. در نتیجه رژیم اشتراک اموال تنها یک نظام مالکیتی نیست بلکه شیوه‌ای برای مدیریت اقتصادی خانواده نیز محسوب می‌شود (نجفی، ۱۳۹۸: ۶۶).

یکی از ویژگی‌های مهم این رژیم مالی نحوه تقسیم اموال در زمان انحلال نکاح است. در صورت طلاق یا فوت یکی از زوجین، اموال مشترک میان آنها یا وراثت تقسیم می‌شود. این تقسیم معمولاً به صورت برابر انجام می‌گیرد مگر آنکه قانون یا قرارداد ترتیب دیگری مقرر کرده باشد. چنین قاعده‌ای موجب می‌شود تلاش اقتصادی هر دو همسر در طول زندگی مشترک مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل این رژیم از منظر عدالت اقتصادی مورد توجه بسیاری از

نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. تقسیم عادلانه دارایی‌ها می‌تواند از بروز اختلافات مالی شدید جلوگیری کند. این مسئله نقش مهمی در ثبات اجتماعی خانواده دارد (رحمانی، ۱۳۹۹: ۶۸).

از منظر اجتماعی، رژیم اشتراک اموال می‌تواند حمایت بیشتری از همسری که نقش کمتری در فعالیت‌های اقتصادی مستقیم دارد ایجاد کند. در بسیاری از خانواده‌ها ممکن است یکی از همسران بیشتر به امور خانه یا تربیت فرزندان بپردازد. در چنین شرایطی نظام اشتراک اموال موجب می‌شود سهم این فرد در دارایی‌های خانوادگی حفظ شود. این رویکرد نشان‌دهنده توجه قانون‌گذار به ارزش اقتصادی فعالیت‌های غیرمستقیم در خانواده است. به همین دلیل برخی پژوهشگران این نظام را ابزاری برای تحقق عدالت خانوادگی می‌دانند. چنین دیدگاهی در مطالعات حقوق خانواده مورد تأکید قرار گرفته است (محمودی، ۱۳۹۹: ۱۰۲). در عین حال رژیم اشتراک اموال ممکن است با چالش‌هایی نیز همراه باشد. در برخی موارد اختلاف نظر درباره نحوه مدیریت یا تقسیم اموال مشترک میان زوجین ایجاد می‌شود. این اختلافات ممکن است به طرح دعاوی حقوقی منجر گردد. به همین دلیل قانون‌گذار قواعد مشخصی برای حل این تعارضات پیش‌بینی کرده است. وجود چنین قواعدی به دادگاه‌ها امکان می‌دهد اختلافات مالی زوجین را به شکل منظم حل و فصل کنند. این سازوکار نقش مهمی در حفظ نظم حقوقی خانواده دارد. بنابراین رژیم اشتراک اموال نیازمند چارچوب‌های حقوقی دقیق برای اجراست (هاشمی، ۱۴۰۱: ۸۵). از دیدگاه اقتصادی، این رژیم می‌تواند موجب تقویت همکاری میان زوجین در فعالیت‌های مالی شود. هنگامی که هر دو همسر در دارایی‌های حاصل از زندگی مشترک سهم داشته باشند، انگیزه بیشتری برای توسعه منابع اقتصادی خانواده پیدا می‌کنند. چنین همکاری‌ای می‌تواند به افزایش رفاه خانوادگی کمک کند. در نتیجه رژیم اشتراک اموال نه تنها یک ساختار حقوقی بلکه یک الگوی اقتصادی برای مدیریت خانواده محسوب می‌شود. این ویژگی باعث شده است که این رژیم در بسیاری از نظام‌های حقوقی مورد توجه قرار گیرد. آثار مثبت آن در مطالعات تطبیقی نیز مورد بررسی قرار گرفته است (زارعی، ۱۳۹۸: ۱۲۹).

رژیم قانونی اشتراک اموال یکی از مهم‌ترین نظام‌های مالی زوجین در حقوق فرانسه است که بر مشارکت اقتصادی همسران در زندگی مشترک تأکید دارد. این رژیم با ترکیب مالکیت مشترک و شخصی تلاش می‌کند تعادل مناسبی میان استقلال مالی و همکاری خانوادگی ایجاد کند. همچنین قواعد مربوط به مدیریت و تقسیم اموال در آن به گونه‌ای طراحی شده است که عدالت اقتصادی میان زوجین حفظ شود. به همین دلیل این نظام در تحلیل‌های حقوق خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد. بررسی آن می‌تواند برای شناخت بهتر ساختارهای مالی خانواده در نظام‌های حقوقی مختلف مفید باشد. این موضوع در مطالعات تطبیقی حقوق خانواده نیز مورد توجه قرار گرفته است. در نتیجه رژیم اشتراک اموال یکی از پایه‌های مهم روابط مالی زوجین در حقوق فرانسه به شمار می‌آید (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۹۸).

۷-۲- رژیم تفکیک اموال

رژیم تفکیک اموال یکی دیگر از نظام‌های مالی مهم در حقوق فرانسه است که بر استقلال کامل دارایی‌های زوجین تأکید دارد. در این نظام هر یک از همسران مالک اموالی است که به نام او ثبت شده یا به طور مستقل تحصیل کرده است. بنابراین ازدواج تأثیری بر مالکیت شخصی اموال ندارد. چنین ساختاری به ویژه برای افرادی که فعالیت اقتصادی مستقل دارند مناسب تلقی می‌شود. زیرا در این نظام دارایی‌های هر یک از زوجین از دیگری جدا باقی می‌ماند. این ویژگی سبب شده است رژیم تفکیک اموال در میان برخی زوجین محبوبیت داشته باشد. در واقع این نظام بر اصل استقلال اقتصادی زوجین استوار است (رحیمی، ۱۴۰۱: ۱۱۶). در رژیم تفکیک اموال هر یک از همسران می‌تواند اموال خود را به طور مستقل مدیریت کند. این امر به آنها اجازه می‌دهد بدون نیاز به اجازه یا مشارکت طرف مقابل درباره دارایی‌هایشان تصمیم بگیرند. چنین استقلالی می‌تواند در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری اهمیت زیادی داشته باشد. به ویژه در مواردی که یکی از زوجین دارای کسب‌وکار یا سرمایه‌گذاری مستقل است. در این شرایط تفکیک دارایی‌ها موجب کاهش پیچیدگی‌های حقوقی در مدیریت اموال می‌شود. بنابراین این رژیم از نظر اقتصادی انعطاف‌پذیری بیشتری ایجاد می‌کند. به همین دلیل برخی زوجین آن را ترجیح می‌دهند (مجیدی، ۱۳۹۷: ۱۳۹). یکی

از پیامدهای مهم رژیم تفکیک اموال آن است که بدهی‌های هر یک از زوجین نیز به طور مستقل محسوب می‌شود. در این نظام معمولاً هر فرد مسئول تعهدات مالی خود است و بدهی‌های او به دارایی‌های طرف دیگر سرایت نمی‌کند. این قاعده می‌تواند در حفظ امنیت اقتصادی زوجین نقش مهمی داشته باشد. زیرا خطرات مالی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی یکی از همسران به دیگری منتقل نمی‌شود. چنین ویژگی‌ای برای افرادی که در حوزه‌های اقتصادی پرریسک فعالیت می‌کنند اهمیت زیادی دارد. بنابراین رژیم تفکیک اموال نوعی حمایت مالی برای هر یک از زوجین ایجاد می‌کند. این موضوع در تحلیل‌های حقوق تطبیقی نیز مورد توجه قرار گرفته است (احمدی، ۱۳۹۸: ۶۳).

با وجود استقلال مالی در این رژیم، زوجین همچنان نسبت به هزینه‌های زندگی مشترک مسئولیت دارند. در حقوق فرانسه هر یک از همسران باید متناسب با توانایی مالی خود در تأمین هزینه‌های خانواده مشارکت کند. بنابراین تفکیک اموال به معنای حذف مسئولیت‌های خانوادگی نیست. بلکه تنها مالکیت دارایی‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند. این قاعده به حفظ تعادل میان استقلال مالی و مسئولیت مشترک کمک می‌کند. در نتیجه نظام تفکیک اموال نیز همچنان در چارچوب همکاری خانوادگی قرار دارد. چنین رویکردی نشان‌دهنده توجه قانون‌گذار به منافع خانواده است (نیلی، ۱۳۹۸: ۶۱). یکی از مزایای مهم این رژیم کاهش اختلافات مالی در زمان انحلال نکاح است. هنگامی که دارایی‌های زوجین از ابتدا جدا باشد، تقسیم اموال در زمان طلاق ساده‌تر خواهد بود. زیرا هر یک از همسران مالک اموال خود باقی می‌ماند. این امر می‌تواند از بروز بسیاری از دعاوی مالی جلوگیری کند. به همین دلیل برخی از حقوق‌دانان این رژیم را از نظر عملی کارآمد می‌دانند. البته در برخی موارد ممکن است این نظام موجب نابرابری اقتصادی میان زوجین شود. این موضوع یکی از چالش‌های مطرح در تحلیل این رژیم است (رحمانی، ۱۳۹۹: ۷۳).

از نظر اجتماعی، رژیم تفکیک اموال می‌تواند استقلال اقتصادی زنان را نیز تقویت کند. در این نظام زن همانند مرد حق دارد اموال خود را به طور مستقل اداره کند. این امر به ویژه در جوامعی که زنان در فعالیت‌های اقتصادی حضور فعال دارند اهمیت دارد. استقلال مالی می‌تواند

موجب افزایش قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی زنان شود. به همین دلیل برخی پژوهشگران این رژیم را در راستای تحقق برابری اقتصادی میان زن و مرد ارزیابی کرده‌اند. چنین دیدگاهی در مطالعات مربوط به حقوق زنان نیز مطرح شده است (سبحانی، ۱۴۰۰: ۷۲). با این حال رژیم تفکیک اموال ممکن است در برخی موارد موجب کاهش حمایت اقتصادی از همسری شود که درآمد کمتری دارد. زیرا در این نظام دارایی‌های حاصل از فعالیت اقتصادی تنها متعلق به صاحب آن است. بنابراین در صورت بروز اختلاف یا طلاق ممکن است نابرابری مالی میان زوجین ایجاد شود. این مسئله به ویژه زمانی مطرح می‌شود که یکی از همسران بیشتر به امور خانه و خانواده پرداخته باشد. در چنین شرایطی برخی نظام‌های حقوقی تدابیر حمایتی دیگری پیش‌بینی می‌کنند. این چالش یکی از مباحث مهم در بررسی رژیم تفکیک اموال است (زارعی، ۱۳۹۸: ۱۳۴).

در عمل انتخاب رژیم تفکیک اموال معمولاً از طریق قرارداد ازدواج انجام می‌شود. زوجین پیش از ازدواج می‌توانند با توافق یکدیگر این نظام مالی را انتخاب کنند. چنین توافقی باید مطابق تشریفات قانونی تنظیم شود. این امر نشان‌دهنده نقش مهم قراردادها در تعیین روابط مالی زوجین در حقوق فرانسه است. انعطاف‌پذیری در انتخاب رژیم مالی یکی از ویژگی‌های مهم این نظام حقوقی محسوب می‌شود. زیرا زوجین می‌توانند ساختار مالی متناسب با شرایط خود را برگزینند. این موضوع در تحلیل‌های حقوق خانواده اهمیت زیادی دارد (کاظمی، ۱۴۰۰: ۹۳). رژیم تفکیک اموال بر استقلال کامل دارایی‌های زوجین استوار است و تلاش می‌کند آزادی اقتصادی هر یک از همسران را حفظ کند. این نظام به ویژه برای زوجینی که دارای فعالیت اقتصادی مستقل هستند مناسب تلقی می‌شود. در عین حال قواعد مربوط به مسئولیت در هزینه‌های خانواده همچنان برقرار است. به همین دلیل این رژیم نوعی تعادل میان استقلال فردی و مسئولیت خانوادگی ایجاد می‌کند. بررسی این نظام نشان می‌دهد که حقوق فرانسه در تنظیم روابط مالی زوجین رویکردی انعطاف‌پذیر اتخاذ کرده است. چنین رویکردی امکان انتخاب نظام مالی مناسب را برای خانواده‌ها فراهم می‌کند. این ویژگی از مهم‌ترین نقاط قوت حقوق خانواده در این کشور محسوب می‌شود (صفایی، ۱۳۹۹: ۳۳۱).

نتیجه گیری

تحلیل تطبیقی حقوق زوجین نسبت به اموال مکتسبه دوران زوجیت در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه، نشان می‌دهد که این دو نظام با وجود برخی اشتراکات مفهومی در مباحث عدالت، حمایت از خانواده و منع ضرر، در ساختارهای بنیادین و فلسفه حقوقی خود رویکردهای بسیار متفاوتی دارند. در ایران، مبنای اصلی قواعد مالی زوجین، استقلال کامل دارایی‌هاست. این اصل که ریشه در آموزه‌های فقه امامیه دارد، بیان می‌کند که هر یک از زوجین مالک اموال و درآمد خود است و دیگری حق دخالت در آن را ندارد. این استقلال مالی از یک سو باعث جلوگیری از مخلوط شدن بی‌رویه اموال و اختلافات ناشی از مشارکت اجباری می‌شود، اما از سوی دیگر، در عمل می‌تواند به نابرابری اقتصادی میان زن و مرد، به‌ویژه در خانواده‌هایی که زن بخش عمده وقت خود را صرف فعالیت‌های غیراقتصادی در منزل می‌کند، منجر شود. برای رفع این مشکل، حقوق ایران نهادهایی مانند مهریه، نفقه، اجرت‌المثل و شرط تنصیف دارایی را پیش‌بینی کرده است. با این حال، هیچ‌یک از این نهادها جایگزین یک رژیم مالی عادلانه و شفاف مشترک میان زوجین نیست و مشکلات و اختلافات مالی پس از طلاق همچنان یکی از چالش‌های مهم خانواده در ایران محسوب می‌شود.

در سوی مقابل، حقوق فرانسه با ایجاد رژیم‌های متنوع مالی و امکان انتخاب میان آنها، ساختاری انعطاف‌پذیر و منسجم برای اداره اموال زوجین ایجاد کرده است. اصل مشارکت در دارایی‌های حاصل از زندگی مشترک، یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایت از توازن اقتصادی میان زن و شوهر است، به‌ویژه در شرایطی که یکی از طرفین نقش بیشتری در امور خانه‌داری و نگهداری خانواده بر عهده دارد. مقایسه این دو نظام نشان می‌دهد که حقوق ایران در برخی حوزه‌ها، از جمله استقلال مالی و محافظت از دارایی فردی، کارآمد است، اما در حوزه مشارکت اقتصادی و ایجاد عدالت مالی میان زوجینی که به شکل مشترک زندگی خود را اداره می‌کنند، نیازمند بازنگری یا تقویت نهادهای موجود است. از سوی دیگر، تجربه فرانسه نشان می‌دهد که تنوع رژیم‌های مالی می‌تواند راه‌حلی مناسب برای سازگار کردن قوانین با نیازهای واقعی جامعه باشد.

بنابراین، به نظر می‌رسد که حقوق ایران می‌تواند با حفظ اصول بنیادین فقهی، از تجربیات موفق نظام‌های حقوقی مانند فرانسه بهره بگیرد. این بهره‌گیری ممکن است به صورت توسعه نهادهایی شبیه «مشارکت در دارایی‌های مکتسبه»، اصلاح سازوکار اجرت‌المثل، تقویت ضمانت‌اجراهای مالی و ایجاد امکان انتخاب قراردادهای مالی اختیاری میان زوجین صورت گیرد. در نهایت، بررسی تطبیقی حاضر نشان می‌دهد که تحول در قواعد مالی خانواده نباید صرفاً بر مبنای قوانین ثابت گذشته متوقف شود، بلکه باید با درک واقعیتهای اجتماعی و نقش‌های اقتصادی نوین زن و مرد همراه باشد. تنها در چنین چارچوبی می‌توان به سوی ایجاد نظامی حرکت کرد که هم با مبانی فقهی سازگار باشد و هم عدالت مالی واقعی را برای زوجین در زندگی مشترک تأمین کند.

پیشنهادهای

- ۱- تدوین مقرراتی برای تنظیم نظام مالی زوجین به صورت جامع و پیش‌نگرانه
- ۲- پیش‌بینی رژیم‌های مالی متنوع برای زوجین است متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی خود
- ۳- بازنگری در مقررات مربوط به اجرت‌المثل زوجه
- ۴- شناسایی ارزش اقتصادی فعالیت‌های غیرمزدبگیر در خانواده
- ۵- اصلاح و توسعه شرط تنصیف دارایی
- ۶- تقویت آموزش حقوقی پیش از ازدواج
- ۷- ایجاد سازوکارهای دقیق‌تر برای حل اختلافات مالی در دادگاه‌های خانواده
- ۸- تدوین و پیش‌بینی سازوکار حقوقی صریح برای شناسایی و تفکیک اموال شخصی از اموال مکتسبه در طول زندگی مشترک در حقوق ایران با الهام از تجربه تقنینی فرانسه
- ۹- بازنگری در مبانی نظری مالکیت زوجین در حقوق ایران با هدف امکان‌سنجی پذیرش رژیم مالی قراردادی و انعطاف‌پذیر مشابه حقوق فرانسه

- ۱۰- طراحی الگوی حقوقی برای حمایت از سهم واقعی هر یک از زوجین در ایجاد و افزایش دارایی‌های خانوادگی در فرض فقدان تصریح قانونی در حقوق ایران
- ۱۱- پیشنهاد اصلاح قانون مدنی و مقررات مرتبط به منظور به رسمیت شناختن نهاد اموال مکتسبه و جلوگیری از تعارض میان عدالت توزیعی و اصل استقلال مالکیت زوجین
- ۱۲- تدوین قواعد روشن برای اثبات منشأ تحصیل اموال در زمان نکاح و هنگام انحلال زوجیت جهت کاهش اختلافات قضایی و افزایش امنیت حقوقی زوجین
- ۱۳- الگوبرداری از نظام رژیم‌های مالی زوجین در فرانسه برای ایجاد امکان توافق پیشینی زوجین درباره نحوه اداره، مالکیت و تقسیم اموال حاصل از زندگی مشترک در ایران
- ۱۴- بازاندیشی در نظام حقوقی ایران درباره آثار کار خانگی، مشارکت غیرمستقیم و نقش اقتصادی هر یک از زوجین در تملک اموال مکتسبه و پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسب برای آن

منابع:

۱. آشوری، محمد (۱۳۹۸)، آیین دادرسی مدنی، نشر میزان، تهران.
۲. امامی، سیدحسن (۱۳۸۵)، حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامیة، تهران.
۳. ایمانی، عبدالکریم (۱۴۰۰)، حقوق اموال و مالکیت، نشر دادگستر، تهران.
۴. بادینی، حمیدرضا (۱۳۹۵)، حقوق خانواده در نظام حقوقی ایران، انتشارات سمت، تهران.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۷)، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران.
۷. حسینی، محمد (۱۳۹۴)، حقوق خانواده و روابط مالی زوجین، نشر مهر، قم.
۸. رحیمی، محمدرضا (۱۴۰۱)، «اشتراک اموال زوجین در نظام‌های حقوقی تطبیقی»، مجله حقوق تطبیقی، شماره ۴۲، ص ۹۷-۱۲۷.
۹. زارعی، لیلا (۱۳۹۸)، «بررسی آثار اقتصادی طلاق بر زنان»، فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۲۳، ص ۱۱۵-۱۴۵.
۱۰. سامانی، الهام (۱۳۹۷)، «نقش رویه قضایی در تعیین حقوق مالی زوجه»، مجله حقوق ایران، شماره ۱۸، ص ۲۵-۵۶.
۱۱. شریعتی، نرگس (۱۴۰۰)، «تحلیل تطبیقی شرط تنصیف دارایی»، مجله علمی پژوهشی حقوق خانواده، شماره ۲۷، ص ۶۷-۹۳.
۱۲. شریفی، علی (۱۴۰۰)، حقوق خانواده در ایران، انتشارات خرسندی، تهران.
۱۳. طالبی، یحیی (۱۳۹۶)، «حق اشتغال زنان و آثار مالی آن»، مجله حقوقی پژوهشگران، شماره ۱۲، ص ۸۱-۱۰۴.
۱۴. فرهادی، امیر (۱۳۹۹)، «بررسی فقهی و حقوقی نفقه زوجه»، نشریه حقوق اسلامی، شماره ۳۰، ص ۵۵-۸۸.
۱۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، حقوق مدنی: عقود معین، شرکت سهامی انتشار، تهران.

-
۱۶. مرضیایی، محمد (۱۳۹۸)، حقوق خانواده در ایران (بررسی تطبیقی)، انتشارات دادگستر، تهران.
۱۷. موسوی، سیدمحمد (۱۳۹۶)، حقوق مدنی (بخش مالکیت و حقوق عینی)، نشر میزان، تهران.
۱۸. نوروز، مریم (۱۳۹۵)، رژیم مالی ازدواج در حقوق ایران، نشر میزان، تهران.



Comparative Study of the Financial Regime of Spouses in Iranian and French Laws with Emphasis on Acquired Property

Sima Khoshkhalq^۱ / Mohammad Gholami Oliyee^۲ / Yousef Molaei^۳

Article Number: JHVMN-۲۶۱۱-۱۴۰۲

Abstract

The financial relations of spouses and the rights of each party to the assets acquired during the marriage are among the most fundamental issues in family law and a determining indicator for measuring the legal systems of countries in supporting justice, economic security, and balance in marital relations. A comparative study of Iranian and French law is of particular importance in this area, because Iran, with its legal system inspired by Imamiyya jurisprudence, emphasizes the principle of "financial independence of spouses," while France is based on "marital financial regimes" in which it is possible to choose between several legal models. In Iranian law, the rule is the separation of property and the independence of the assets of the husband and wife, and each is considered the owner of his or her own income and assets. However, some limited institutions, such as alimony or remuneration for the wife's services, create a protective aspect but do not go beyond creating real financial participation between spouses. In contrast, in French law, the principle is "sharing assets obtained from cohabitation" unless the spouses choose a different regime. This fundamental difference results in quite distinct outcomes when it comes to dissolution of marriage, bankruptcy, financial transactions, and joint administration of property.

Keywords: acquired property, spouses, community of property, comparative.

^۱. Department of Law, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran. simakhosh@yahoo.com

^۲. Department of Law, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran. (Corresponding Author) Mm۱۳۰۹۱۳۰۹@iau.ac.ir

^۳. Department of Law, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran. Yousef.molaei@iau.ac.ir

